

نقد و بررسی کتاب  
نقادی، امنیت و قدرت / اثر تارا مک کورمک

دکتر قاسم ترابی\*

(تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۱۱/۵ و تاریخ تصویب: ۹۰/۲/۱۰)

مقدمه

روابط بین‌الملل تاکنون مناظره‌های کلانی را در حوزه‌های مختلف پشت سر گذاشته است. اولین مناظره بین «واقع‌گرایی»<sup>۱</sup> و «لیبرالیسم»<sup>۲</sup> در ارتباط با مسائل محتوایی از جمله ماهیت روابط بین‌الملل و چگونگی پایان دادن به جنگ بود. در مناظره دوم که بین «رفتارگرایان»<sup>۳</sup> و نظریه پردازان سستی شکل گرفت بیشتر مسائل روشی محور رقابت و مناظره را تشکیل می‌داد. اما در مناظره سوم که بین نظریه‌پردازان خردگرا و انتقادی در جریان است، رقابت و مناظره سطح گسترده‌تری یافته و ابعاد «روش‌شناسی»<sup>۴</sup>، «هستی‌شناسی»<sup>۵</sup> و «معرفت‌شناسی»<sup>۶</sup> با دقت و وسعت بیشتری محور انتقاد قرار گرفته است. در این مناظره محور بحث نقد مسائلی همچون اصول پوزیتویسم، فاعل شناسای خردمند،

\* عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد همدان، گروه علوم سیاسی، همدان، ایران.

<sup>۱</sup> - Realism

<sup>۲</sup> - Idealism

<sup>۳</sup> - Behaviorism

<sup>۴</sup> - Methodology

<sup>۵</sup> - Ontology

<sup>۶</sup> - Epistemology

واقعیت عینی و رابطه ساختار و کارگزار است و کتاب نقادی، امنیت و قدرت (۱) در همین زمینه ها به بحث می پردازد.

### ۱. نقد پوزیتویسم و اصول آن

اصولاً پوزیتویسم با نام آگوست کنت شناخته می شود. آگوست کنت اولین کسی بود که این اصطلاح را به عنوان یک مکتب فلسفی مطرح کرد. در قرن بیستم نیز این جریان فکری توسط گروهی به نام حلقه وین تحت عنوان اثبات گرایی منطقی ادامه یافت. پوزیتویسم دارای ابعاد شناخته شده ای شامل موارد زیر است:

۱- هدف علم، شناخت واقعیتی است که براساس روابط ساختاری یا علمی ثابت و معینی استوار است، روابطی که مستقل از ذهن انسان و دارای سازگاری درونی می باشند.

۲- علم در پی صورت بندی دانش فنی است که توان پیش بینی، کارایی و قدرت اعمال کنترل در جهت اهدافی معین را افزایش دهد.

۳- علم دانشی است که از نظر ارزشی بی طرف و خنثی است.

۴- ملاک صدق مفاهیم و گزارها، انطباق آنها با واقعیت خارجی است.

۵- پدیده های اجتماعی را مثل پدیده های طبیعی می توان مورد مطالعه قرارداد. (۲)

از منظر مباحث ماهوی یعنی در ابعاد معرفت شناسی، هستی شناسی و روش شناسی، پوزیتویسم قائل به واقعیت عینی، فاعل شناسا و روش های علوم طبیعی است که اینها همان چیزهایی هستند که به شدت مورد نقد دیدگاه های انتقادی قرار گرفته اند. منظور از واقعیت عینی این است که واقعیات علوم اجتماعی درست مثل واقعیات علوم طبیعی عینی و غیرقابل تغییر هستند. این واقعیات می باید توسط انسان که توانایی رها شدن از ارزش ها و هنجارها را دارد و به مثابه یک ماشین ثبت اطلاعات است، مورد مطالعه قرار گیرد و با اتخاذ همان روش های علوم طبیعی کشف و شناسایی گردند. اصولاً پوزیتویسم بین علوم اجتماعی و علوم طبیعی تفاوتی قائل نیست و این همان نقطه محوری است که به شدت مورد انتقاد نظریه پردازان علوم اجتماعی قرار گرفته است. نظریه پردازان انتقادی سه اصل اساسی اثبات گرایی را که در اصول یاد شده به شکلی مستتر هستند را رد می کنند: واقعیت عینی بیرونی، تمایز عین و ذهن و علوم

اجتماعی فارغ از بار ارزشی.

طبق باور نظریه‌پردازان انتقادی، جهان سیاست که بر پایه قوانین تغییرناپذیر اجتماعی عمل می‌کند، وجود ندارد. هرچیزی که اجتماعی است، از جمله روابط بین‌الملل و مباحث امنیتی تاریخی نیز هستند. دنیای اجتماعی دست‌آورد زمان و مکان است. از آنجایی که جهان سیاست بیش از آن که کشف شود، ساخته می‌شود، بنابراین تمایزی اساسی بین عین (تحلیلگر) و ذهن (حوزه تجزیه و تحلیل) وجود ندارد. برای نظریه‌پردازان نظریه انتقادی برعکس دیدگاه‌های پوزیتیویستی شناخت چه از لحاظ اخلاقی، سیاسی وایدئولوژیک خنثی نیست و نمی‌تواند باشد؛ همه شناخت‌ها منافع مشاهده‌گر را منعکس می‌کنند. شناخت همیشه مبتنی بر پیش‌فرض است، زیرا از منظر اجتماعی تحلیل‌گر به‌وجود می‌آید. از این‌رو شناخت همواره مبتنی بر پیش‌فرض‌های ناشی از ارزش‌های فردی، گروهی و اجتماعی می‌باشد. (۳)

## ۲. رد فاعل‌شناسای خردمند و واقعیت عینی

یکی از ویژگی‌های پوزیتیویسم باور به وجود انسان عاقل و توانا برای شناخت است. به باور طرفداران این مکتب این انسان است که تمام جهان بر محور آن می‌چرخد و او در کانون جهان هستی قرار دارد. این فرد انسانی است که پایه و زمینه واقعیت و حقیقت است. انسان به‌عنوان فاعل شناسایی خودمختار و مطمئن از خود به شناخت جهان می‌پردازد. پوزیتیویسم به‌عنوان نماد مدرنیته این اصل و باور را از معرفت‌شناسی دکارتی گرفته است. درست در مقابل، از دیدگاه نظریه‌پردازان انتقادی انسان موجودی فارغ از ارزش‌های اجتماعی نیست، بلکه انسان به شدت تحت‌تأثیر شرایط زمانی و مکانی خود قرار دارد. این که انسان در چه مکانی (فرهنگ و ارزش‌های خاص) و چه زمانی (تاریخ‌مندی واقعیت بدین معنا که هر واقعیتی زمانی دارد) زندگی کند، واقعیات اجتماعی را متفاوت می‌بیند و درک می‌کند. (۴)

## ۳. تعامل ساختار و کارگزار

به‌طور کلی اکثر نظریه‌های روابط بین‌الملل تحت‌تأثیر دیدگاه‌های فلسفی در تقابل ساختار و کارگزار، یکی را بر دیگری ترجیح می‌دهند. در فلسفه دو دیدگاه کلی در ارتباط با رابطه ساختار و کارگزار

وجود دارد. عده‌ای با اولویت قائل شدن برای فرد یا «کارگزار»<sup>۱</sup>، «ساختار»<sup>۲</sup> را نتیجه عمل آن می‌دانند. در مقابل عده‌ای اولویت را به ساختار می‌دهند و رفتار و کنش کارگزار را ناشی از محدودیت‌ها و فرصت‌هایی می‌دانند که ساختار برای آن ایجاد می‌کند. نماد این درگیری فلسفی در علوم اجتماعی تقابل بین فردگرایان و جمع‌گرایانی است که گروه اول اولویت را به افراد و گروه دوم اولویت را به جامعه می‌دهند.

در روابط بین‌الملل این مسأله نیز وجود دارد. نگاهی به نظریه‌های روابط بین‌الملل نشان می‌دهد که آنها نیز تحت تأثیر این تقابل بوده‌اند. به‌عنوان مثال، در دیدگاه‌های نئورئالیسم والتز یا دیدگاه‌های ساختاری مارکسیستی چون دیدگاه والرشتین اولویت به ساختار نظام بین‌الملل داده می‌شود.<sup>۵</sup> در مقابل دو طیف یادشده دسته‌ای از نظریه‌پردازان اولویت قائل شدن برای یکی از ابعاد و نادیده گرفتن دیگری را رد می‌کنند و از تعامل بین ساختار و کارگزار صحبت می‌کنند. براین اساس ساختار براساس عملکردهای فردی شکل می‌گیرد و در مقابل ساختار محدودیت‌ها و فرصت‌هایی برای افراد ایجاد می‌کند. به‌عبارت دیگر ساختارهای انسانی ناشی از عملکرد افراد می‌باشند و در ادامه به رفتارهای افراد شکل می‌دهند. «الکساندر ونت»<sup>۳</sup> به بهترین شکلی این تعامل را توصیف کرده است.<sup>۶</sup>

#### ۴. نوع نگاه به امنیت

یکی از مهم‌ترین حوزه‌های مناظره سوم بین «رویکردهای انتقادی»<sup>۴</sup> و «رویکردهای کلاسیک»<sup>۵</sup> در حوزه مطالعات امنیتی است. (۷) نظریه‌پردازان انتقادی که طیفی گسترده از «سازهانگاری»<sup>۶</sup>، «پست

<sup>۱</sup> - Agent

<sup>۲</sup> - Structure

<sup>۳</sup> - Alexander Wendt

<sup>۴</sup> - Critical Approaches

<sup>۵</sup> - Traditional Approaches

<sup>۶</sup> - Constructivism

مدرنیسم<sup>۱</sup> و نظریه پردازان انتقادی (مکتب فرانکفورت)<sup>۲</sup> در معنای اخص را در بر می‌گیرد، به انتقاد از رویکرد و برداشت از امنیت توسط نظریه پردازان کلاسیک می‌پردازند. در مقابل نظریه پردازان کلاسیک که تحت عنوان «خردگرایان»<sup>۳</sup> یا «پوزیتیویست‌ها»<sup>۴</sup> از آنها یاد می‌شود پاسخ انتقادات وارده به رویکردها و دیدگاه‌هایشان در حوزه امنیت را داده‌اند.<sup>(۸)</sup>

معمولاً نظریه پردازان کلاسیک امنیت را در «سطح ملی یا دولتی»<sup>۵</sup> و بیشتر در حوزه نظامی تعریف می‌کنند. آنها معتقدند مهم‌ترین بازیگر روابط بین‌الملل همان «دولت‌های ملی»<sup>۶</sup> هستند که در عرصه امنیت همچنان مهم‌ترین عامل امنیت و ناامنی یا به عبارتی امنیت‌زا و امنیت‌زدا محسوب می‌شوند. در مقابل نظریه پردازان انتقادی که در چارچوب «پست پوزیتیویسم»<sup>۷</sup> قرار دارند، تعریف امنیت در سطح ملی و در حوزه نظامی را به شدت مورد انتقاد قرار می‌دهند. نظریه پردازان انتقادی بر این باورند که امنیت را باید در سطوح فروملی، ملی، جهانی و همچنین فردی مورد ارزیابی قرار داد.<sup>(۹)</sup> در این جا بازیگر اصلی افراد محسوب می‌شوند، بنابراین هرگونه تهدید و ناامنی در سطح فردی باید در حوزه مطالعات امنیتی مورد بررسی قرار گیرد. بر این اساس، بیکاری، فقر و سایر آسیب‌های اجتماعی در سطح فروملی و مسائل کلان جهانی همچون خطرات زیست محیطی در سطح فراملی نیز به عنوان تهدیدات امنیتی مورد بررسی آنها قرار می‌گیرد.<sup>(۱۰)</sup> به علاوه آنها «رویکردی جهان‌وطنی»<sup>۸</sup> به مفهوم امنیت دارند و معمولاً از شهروند، حقوق و آزادی‌های جهانی صحبت می‌کنند. اصولاً نظریه پردازان انتقادی و رهایی‌بخش مهم‌ترین منتقدان نظم کنونی هستند. از نظر آنها نظم مبتنی بر دولت‌ملت‌های

<sup>1</sup> - Post Modernism

<sup>2</sup> - Frankfurt School

<sup>3</sup> - Rationalism

<sup>4</sup> - Positivism

<sup>5</sup> - State Security Level

<sup>6</sup> - National State

<sup>7</sup> - Post Positivism

<sup>8</sup> - Cosmopolitan

«وستفالیایی»<sup>۱</sup> نظمی ناعادلانه است که اکثر جنگ‌ها، خشونت‌ها و درگیری‌های موجود ناشی از آن است. بنابراین نه تنها دولت عامل امنیت محسوب نمی‌شود، بلکه خود مهم‌ترین عامل وجود نظم ناعادلانه، ناامنی، خشونت و درگیری است، که باید به هر شکل ممکن آن را کنار زد و نظمی جدید مبتنی بر محوریت انسان ایجاد نمود. در واقع اطلاق عنوان «نظریه‌های رهایی‌بخش»<sup>۲</sup> به نظریه‌های انتقادی، به دلیل تلاشی است که آنها در راستای رهایی انسان از محدودیت‌های نظم مبتنی بر دولت‌ملت‌ها صورت می‌دهند. (۱۱)

با عنایت به این مباحث و مقدمات نظری، نویسنده این کتاب طی هشت فصل، تلاش داشته تا با دیدی کلاسیک و از زاویه نظریه‌پردازان خردگرا، دیدگاه‌های نظریه‌پردازان انتقادی را مورد نقد قرار دهد. وی در فصول اول تا سوم، پس از معرفی و توصیف دیدگاه‌های انتقادی، به نقد نظری دیدگاه‌های آنها پرداخته است. در فصول سوم تا هفتم نیز با مطرح نمودن جنگ و درگیری در یوگسلاوی سابق به عنوان مورد مطالعاتی کتاب، تلاش داشته تا نشان دهد برخلاف آنچه که ادعا می‌شود نظریه‌پردازان انتقادی توانایی محدودی در توضیح درگیری‌ها به شکلی متفاوتی از نظریه‌پردازان کلاسیک دارند. ادامه به شکل خلاصه مهم‌ترین مباحث و محورهای هر کدام از این فصول مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

## ۵. بخش‌های کتاب

در فصل اول کتاب که به عنوان مقدمه در نظر گرفته شده است، نویسنده به بررسی مهم‌ترین محورها و باورهای نظریه‌پردازان انتقادی در زمینه مفهوم امنیت پرداخته است. ضمن این که انتقادات این نظریات نسبت به نظریه‌ها و رویکردهای کلاسیک نیز در این فصل مورد بررسی قرار گرفته است. از جمله این که نویسنده تلاش داشته تا امنیت را بر اساس دیدگاه‌های جدید مورد بازتعریف قرار دهد، تا در فصول بعدی آنرا در عرصه‌های نظری و عملی مورد چالش قرار دهد. نظریه‌پردازان رهایی‌بخش تعریف محدود از امنیت را به شدت مورد انتقاد قرار داده‌اند. به باور آنها

<sup>۱</sup> - Westphalian

<sup>۲</sup> - Emancipatory theorists

بازیگر اصلی در عرصه امنیت، همچون سایر عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی افراد هستند. آنها سطح ملی و بعد نظامی از امنیت را ناشی از تنگ‌نظری‌های «گفتمان‌های امنیتی»<sup>۱</sup> گذشته می‌دانند که به شدت تحت تاثیر «واقع‌گرایی»<sup>۲</sup> قرار داشته است. (۱۲) در مقابل نظریه‌پردازان رهایی‌بخش امنیت را بیشتر به عنوان «آزادی بشر»<sup>۳</sup> و «رفاه اجتماعی»<sup>۴</sup> افراد و در سطح جهانی و فردی مورد ارزیابی قرار می‌دهند. براین اساس نبود جنگ بین کشورها تنها بخشی از امنیت محسوب می‌شود؛ نبود خشونت ساختاری در تمامی عرصه‌ها و وجود آزادی‌های گسترده سیاسی و اجتماعی و رفاه عمومی، بخش‌های دیگر و معنای واقعی و کامل‌تر امنیت هستند. به علاوه نظریه‌پردازان رهایی‌بخش که به دنبال رهایی از مفهوم بسته و محدود امنیت هستند، امنیت را «جهان‌وطنی»<sup>۵</sup> تعریف می‌کنند. آنها معتقدند که شانس و این که یک فرد در کجا و چگونه خانواده و کشوری متولد می‌شود، نباید بر وضعیت امنیت او تاثیرگذار باشد. همه انسان‌ها در همه جا باید از امنیت در معنای کامل آن در تمامی ابعاد و سطوح برخوردار گردند. (۱۳)

عنوان فصل دوم، مشکل آرمان‌گرایی، نظریه‌های امنیتی انتقادی و رهایی‌بخش است. هدف این فصل آشکارسازی نقاط ضعف رویکردهای رهایی‌بخش در تحلیل مسایل امنیتی جهان مورد است. در ابتدا اشاره شده که این رویکردها در مرحله نقد به خوبی عمل می‌کنند؛ آنها به خوبی توانایی دارند تا «رویکرد دولت‌محور»<sup>۶</sup> و «جنگ‌محور»<sup>۷</sup> رویکردهای سنتی را مورد انتقاد قرار می‌دهند؛ اما در مقابل در مرحله ایجابی حرف‌چندانی برای عرضه ندارند. نظریه‌پردازان رهایی‌بخش به راحتی می‌تواند بی‌عدالتی و نبود امنیت در روابط بین‌الملل دولت‌محور را مورد انتقاد قرار دهند؛ اما نمی‌تواند خود راه‌حل یا جایگزینی عملی ارائه دهند. نویسنده برای اثبات این ضعف به توصیف محیط امنیتی دوران جنگ سرد و

<sup>1</sup> - Security Discourse

<sup>2</sup> - Realism

<sup>3</sup> - Human Freedom

<sup>4</sup> - Well Being

<sup>5</sup> - Cosmopolitan Approaches

<sup>6</sup> - State-Centric Approaches

<sup>7</sup> - War-Centric Approaches

هچنین پساجنگ سرد می‌پردازد تا کاستی‌ها و ناتوانی‌های رویکردهای انتقادی در تحلیل سیاست قدرت‌های بزرگ و همچنین بازی‌های قدرت در چارچوب نهادهای بین‌المللی بویژه سازمان ملل متحد را آشکار سازد.

عنوان فصل سوم، نظریات همیشه برای اهداف و کسانی خاص هستند، محدودیت‌های نظری نظریه‌های انتقادی و رهایی‌بخش می باشد. در این فصل انتقادات نظری وارد شده به رویکردهای رهایی‌بخش پی‌گیری شده است. البته در اینجا وی سعی دارد تا از ایده «رابرت کاکس»<sup>۱</sup> در نقد رویکردهای رهایی‌بخش استفاده کند. رابرت کاکس از جمله نظریه‌پردازانی محسوب می‌شود که تلاش نمود ایده‌های «مکتب فرانکفورت» را وارد روابط بین‌الملل کند و به کمک آنها به نقد شرایط موجود بپردازد. از جمله این که نظریه و نظریه‌پردازان هیچگاه نمی‌توانند از ارزش‌ها و باورهای شخصی و محیطی که در آن زندگی می‌کند رهایی یابند. بنابراین تمامی نظریه‌های کلاسیک که عمدتاً در راستای حفظ وضع موجود هستند، همگی برای اهداف و منافع افراد و کشورهای خاص هستند. از نظر کاکس «واقع‌گرایی» و «لیبرالیسم» که جزو نظریه‌های «حل‌المسائلی»<sup>۲</sup> محسوب می‌شوند، هر دو در خدمت کشورهای قدرتمند و وضع موجود هستند.

کاکس اشاره می‌کند که همین مشکل در مورد نظریه‌های انتقادی و رهایی‌بخش نیز وجود دارد. برخلاف ادعا، آنها تحت تاثیر ارزش‌ها و باورهای نظریه‌پردازان اصلی خود قرار دارند؛ در نتیجه آنها نیز در راستای منافع و اهداف خاصی هستند. بر این مبنا، هرچند نظریه‌های انتقادی و رهایی‌بخش به انتقاد از نظریه‌های کنونی می‌پردازند، اما خود آنها نیز در نهایت نمی‌توانند از ارزش‌ها و باورهای محیط اجتماعی، سیاسی و اقتصادی موجود رهایی یابند. به تعبیر کاکس نظریه همیشه در خدمت اهداف و کسان خاصی است و این اصل برای نظریه‌پردازان جدید نیز حکم‌فرما است.

فصول چهارم و پنجم به رویکردهای انتقادی به جنگ و تجزیه یوگسلاوی سابق می‌پردازد. در فصول گذشته هدف آشکارسازی نقاط ضعف رویکردهای انتقادی و رهایی‌بخش در سطح نظری بود. به همین دلیل نویسنده محدودیت‌های نظری و مشکلات گسترده این رویکردها در تجزیه و تحلیل مسایل

<sup>۱</sup>- Robert Cox

<sup>۲</sup>- Problem-Solving Theory

امنیتی در چارچوب شرایط سیاسی، اقتصادی و اجتماعی دنیای معاصر را مورد بررسی قرار داد. در مقابل از این فصل به بعد، وی می‌خواهد از جنگ و درگیری در یوگسلاوی سابق به عنوان یک مورد مطالعاتی استفاده کند تا در صحنه عملی نیز نقاط ضعف این رویکردها را آشکار کند.

در این راستا در فصل چهارم وی به بررسی تحلیل‌های نظریه‌پردازان رهایی‌بخش و انتقادی در ارتباط با درگیری در یوگسلاوی می‌پردازد تا سپس آنها را در فصول بعدی مورد انتقاد قرار دهد. ضمن این که باید اشاره نمود که درگیری در یوگسلاوی عامدانه و آگاهانه به عنوان مورد مطالعاتی کتاب انتخاب شده است. انتخاب درگیری در یوگسلاوی بدان علت بوده است که بلافاصله پس از پایان جنگ سرد روی داد و نظریه‌پردازان انتقادی از آن به عنوان اولین درگیری پست‌مدرن یاد می‌کنند.

در این زمینه نظریه‌پردازان انتقادی معتقدند که جریان اصلی امنیتی به دلیل داشتن سطح دولتی و بعد نظامی و عدم توجه به سطوح فروملی و مسئله هویت، توانایی تجزیه و تحلیل درگیری‌های داخلی یوگسلاوی را ندارند. این درگیری برخلاف اختلافات دوران جنگ سرد در سطح فروملی و بین قومیت‌های مختلف روی داد. این در شرایطی است که نظریه‌پردازان جریان اصلی تنها بازیگری دولت در عرصه امنیت را قبول دارند و اصولاً به جنگ بین‌دولتی می‌پردازند. در مقابل نظریه‌های انتقادی به دلیل برداشت «انسان‌گرایانه»<sup>۱</sup> و گسترده از امنیت و توجه به سایر بازیگران و نقش برجسته هویت و قومیت، توانایی تجزیه و تحلیل درگیری‌های داخلی یوگسلاوی به شکل مناسب را دارند.

عنوان فصل ششم، محروم‌سازی داخلی، شهروندی و دولت است. هدف اصلی نویسنده در این فصل آنست تا با ارائه تحلیل متفاوت از درگیری‌های داخلی یوگسلاوی، نشان دهد چگونه تحلیل‌های ارائه شده توسط رویکردهای رهایی‌بخش و انتقادی نادرست هستند. در واقع نویسنده می‌خواهد نشان دهد تحلیل‌های انتقادی حتی در مورد درگیری‌های داخلی یوگسلاوی، که به تعبیر نظریه‌پردازان انتقادی به عنوان بهترین نمونه جنگ‌های پست‌مدرن شناخته می‌شود، چندان درست نیستند. بویژه وی راه‌حل‌های ارائه شده برای حل بحران توسط این نظریه‌پردازان را مورد انتقاد قرار می‌دهد. نظریه‌پردازان انتقادی و رهایی‌بخش، راه‌حل بحران یوگسلاوی را در گسترش نقش گروه‌های اجتماعی طرفدار

<sup>۱</sup> - Humanist

تفکرات جهان‌وطنی و ایجاد چارچوب‌های جدیدی برای حقوق بشر توسط جامعه بین‌المللی می‌دانستند. ضمن این که برای بحث بهتر و عمیق‌تر موضوع این فصل به بخش‌هایی تقسیم شده است. در بخش اول در مورد مفهوم شهروندی و شرایط تشکیل فدارالیسم در یوگسلاوی سابق بحث شده است. بحث در این ارتباط بدان علت در اولویت قرار گرفته است که به باور نویسنده شرایط اولیه تشکیل و مفاد قانون اساسی یوگسلاوی نقش مهمی در درگیری‌های دهه ۹۰ و در نهایت فروپاشی این کشور داشته است. به علاوه تلاش قومیت‌های مختلف و شهروندان یوگسلاوی سابق برای جدایی با اهدافی که نظریه‌پردازان انتقادی بیان می‌دارند نبوده است. آنها وارد درگیری با دولت مرکزی شدند تا در نهایت به کشوری جدید برای خود شکل دهند که بیشتر به حقوق و آزادی‌های آنها احترام بگذارد. به عبارت دیگر، کروات‌ها و مسلمانان دولت خاص خودشان را می‌خواستند. در نتیجه برخلاف ایده نظریه‌پردازان جدید آنها چندان با ایده‌های «شهروند جهانی»<sup>۱</sup>، جهان‌وطنی و مسایلی از این قبیل آشنایی نداشتند.

در بخش دوم نویسنده به ارائه تحلیلی متفاوت از بروز درگیری‌های داخلی یوگسلاوی می‌پردازد. به باور وی برخلاف ادعایی نظریه‌پردازان جدید، علت بروز بحران در یوگسلاوی ناتوانی‌های دولت مرکزی در تامین آزادی‌های سیاسی، رفاه اجتماعی و سایر وظایفی بود که بر عهده دولت‌ها است. بنابراین علت بروز درگیری را باید ناشی از نارضایتی شهروندان یک کشور از دولت‌شان و با هدف ایجاد یک دولت کارآمدتر دانست که این تحلیل به تقویت دیدگاه‌های دولت‌مدار می‌انجامد. به هر حال، ایجاد کشورهای جدید چون صربستان، بوسنی و هرزگوین و کرواسی چندان مطابق انتظار نظریه‌پردازان جدید نبود.

در نهایت در بخش آخر این فصل نویسنده نشان می‌دهد که هنوز مفهوم شهروند در مرزهای ملی معنا می‌یابد و تعابیری چون شهروند جهانی و یا ایده‌های جهان‌وطنی صرفاً در سطوح نظری مطرح هستند. ضمن این که نتیجه درگیری‌های یوگسلاوی نیز به خوبی این مسئله را تأیید می‌کند. در یوگسلاوی راه‌حل‌های نظریه‌های جدید نتوانستند مشکلی را حل کنند. در نهایت این مداخلات نظامی ناتو و آمریکا بودند که مانع تداوم درگیری‌ها شدند و کشورهای جدید با شهروندان صرب، کروات و بوسنیایی و نه شهروندان جهانی شکل گرفتند.

<sup>۱</sup> - World Citizenship

فصل هفتم عنوان محروم سازی بین المللی، بازسازی سیاست بین الملل را داراست. در این فصل، نویسنده یک بار دیگر به بررسی شرایط امنیتی، گفتمان‌هایی سیاسی و سیاست‌های امنیتی بین‌المللی می‌پردازد تا محدودیت‌های سیاسی دیدگاه‌ها و رویکردهای انتقادی و رهایی‌بخش را آشکار کند. به همین دلیل تمرکز این فصل بر مفهوم مداخلات نظامی و امنیت انسانی قرار گرفته تا محدودیت‌های سیاسی هر کدام از آنها مشخص گردد. نویسنده بیان می‌دارد بدون وجود توافق سیاسی بین کشورها و قدرت‌های بزرگ، مفهوم امنیت انسانی و مداخلات نظامی چندان معنا و مفهومی ندارند. در واقع هنوز نقش و بازیگری دولت‌ها در عرصه امنیتی آنقدر برجسته است که حتی مفاهیم مورد تاکید نظریه‌پردازان انتقادی و رهایی‌بخش به بازیگری دولت‌ها بستگی دارد.

به عنوان مثال مداخلات نظامی که با هدف حمایت از حقوق و آزادی‌های شهروندان سایر کشورها صورت می‌گیرد، در نهایت نیازمند توافق سیاسی بین دولت‌ها و اراده آنها برای مداخله است. همان‌گونه که درگیری‌های داخلی در یوگسلاوی نیز همین مسئله را نشان داد، نقش کشورها در مباحث و موضوعات امنیتی همچنان برجسته است و مفاهیمی همچون شهروند جهانی، امنیت انسانی و جهان‌وطنی در حاشیه مباحث امنیتی قرار دارند. ضمن این که موانع به مراتب مهم‌تری برای گذار از نظم مبتنی بر دولت-ملت کنونی به سوی جهان مبتنی بر «نظم جهان‌وطنی»<sup>۱</sup> وجود دارد.

در نهایت فصل هشتم کتاب به نقد و نتیجه‌گیری اختصاص یافته است. نویسنده در فصل آخر یکبار دیگر به بررسی ناتوانی‌ها و محدودیت‌های رویکردهای انتقادی و رهایی‌بخش در تجزیه و تحلیل مسایل امنیتی در عرصه روابط بین‌المللی می‌پردازد که هنوز دولت‌ها به عنوان بازیگر اصلی آن محسوب می‌شوند. در واقع وی هنوز سیاست بین‌الملل و شرایط سیاسی جهان را به گونه‌ای نمی‌داند که مورد انتظار نظریه‌پردازان جدید است. به باور وی نظم دولت‌محور همچنان پایه‌های مستحکم دارند و گذار به سوی نظم جهان‌وطنی تنها در سطح نظری مطرح شده است. در این‌جا، نویسنده یکبار دیگر مهم‌ترین انتقاداتی را که در فصول گذشته مطرح کرده بود را در این فصل طی چند صفحه به شکل خلاصه بیان می‌کند تا فضا را برای نتیجه‌گیری مهیا سازد. (۱۴)

<sup>۱</sup> - Cosmopolitan Order

وی بیان می‌دارد نظریه‌های انتقادی و رهایی‌بخش بیشتر در سطح «رویکردی ایدئالیستی»<sup>۱</sup> باقی مانده‌اند و برخلاف انتظار نتوانسته‌اند درگیری‌های داخلی و تحولات امنیتی بین‌المللی را به خوبی تجزیه و تحلیل کنند. ضمن این که این نظریات نیز مانند سایر نظریه‌های روابط بین‌الملل، تحت تاثیر ارزش‌ها و باورهای نظریه‌پردازان خود بوده‌اند و در نتیجه قاعده نظریه همیشه برای اهداف و کسانی خاصی است نیز برای آنها اجرا شده است. (۱۵)

به علاوه تحول در عرصه روابط بین‌الملل به سوی ایده‌های نظریه‌پردازان انتقادی و رهایی‌بخش، چندان به امنیت بیشتر منتهی نشده است. به عنوان نمونه تلاش آنها برای نهادینه کردن ارزش‌ها و حقوق جهانی مبتنی بر نظم جهان وطنی، منتهی به تغییراتی شده که عملاً به سود کشورهای قدرتمند و بازتولید دولت‌ملت به عنوان مهم‌ترین بازیگر در عرصه روابط بین‌الملل شده است. کاهش ارزش و اعتبار حقوقی قواعدی چون «عدم مداخله»<sup>۲</sup> در امور داخلی سایر کشورها، «اصل حاکمیت»<sup>۳</sup> و مسائلی از این قبیل، در نهایت منجر به مداخلات بشردوستانه کشورهای قدرتمند در کشورهای ضعیف و تقویت سلسله مراتب قدرت و بازتولید دولت ملی شده است. ضمن اینکه تقریباً در هیچ کدام از موارد مداخله وضعیت برای شهروندان کشور میزبان بهتر نشده است.

در واقع امروزه افراد بیشتر از هر زمانی ارزش وجود دولت ملی به عنوان مهم‌ترین بازیگر در عرصه روابط بین‌الملل کنونی را می‌دانند. افراد به خوبی می‌دانند که شهروند یک کشور قوی بودن برای آنها امنیت، رفاه و آزادی به وجود می‌آورد. ضمن این که همان‌طور که اشاره شد، طرح ایده‌های جدید عملاً بهانه را برای دخالت کشورهای قدرتمند در امور داخلی سایر کشورها افزایش داده است و در نتیجه عاملی برای افزایش شکاف در عرصه بین‌المللی شده است. این در حالی است که نظریه‌پردازان انتقادی و رهایی‌بخش بحث گذار از نظم مبتنی بر دولت ملت را مطرح می‌کنند، غافل از این که رویکردهای آن فاقد توانایی لازم برای درک روابط بین‌الملل و جهان سیاست کنونی است. (۱۶)

با عنایت به این مباحث گسترده باید گفت کتاب حاضر حاوی مباحث و تجزیه و تحلیل‌های گسترده

<sup>۱</sup> - Idealistic Approach

<sup>۲</sup> - Nonintervention Principle

<sup>۳</sup> - Sovereignty Principle

از سوی نظریه‌های متعارض روابط بین‌الملل در مورد یکی از حساس‌ترین حوزه‌های زندگی سیاسی و اجتماعی افراد است. مطالعه این کتاب کم‌وبیش خواننده را با سیر تحولات نظری در گفتمان‌های امنیتی از جریان اصلی تا جریان انتقادی آشنا می‌کند. لازم به اشاره است که هم اکنون مباحث بسیار گسترده‌ای بین نظریه‌پردازان متعلق به جریان مدرن یا پوزیتیویسم با نظریه‌پردازان پست‌مدرنیسم یا پست‌پوزیتیویسم در ارتباط با مفهوم، ابعاد، سطوح و بازیگران اصلی در حوزه امنیت وجود دارد. در نتیجه این امر، کتاب حاضر یکی از بهترین نمونه‌ها از وضعیت مناظره موجود کنونی در حوزه امنیت است، که مطالعه آن کمک فراوانی به درک عمیق‌تر، همه‌جانبه‌تر و بازتر مفهوم امنیت در دنیایی پیچیده، چندلایه و خاکستری امروزه می‌کند.

علی‌رغم تمامی این نکات مثبت، ساختار کتاب به گونه‌ای است که به دلیل کلی بودن کمک‌چندانی به خواننده برای درک جزئیات و اختلافات درونی بین هر کدام از جریان‌ها و گفتمان‌های امنیتی نمی‌کند. به عنوان نمونه، نویسنده تمامی نظریه‌های انتقادی را بدون توجه به تفاوت‌ها و اختلافات داخلی تحت عنوان نظریه‌های انتقادی و رهایی‌بخش مطرح نموده است که همین موضوع به ابهامات در این زمینه افزوده است. واقعیت آنست که هرچند تمامی این نظریات در نقد جریان اصلی با هم کاملاً همراه هستند، ولی کم‌وبیش دارای اختلافاتی در سطوح «روش‌شناسی»، «معرفت‌شناسی» و «هستی‌شناسی» هستند. از منظر معرفت‌شناسی نمی‌توان نظریه‌های پست‌مدرن، مکتب فرانکفورت و سازه‌انگاری را کاملاً یکی دانست. همین تفاوت‌های موجود در سطح «فرما‌هوی»<sup>۱</sup> این نظریات باعث تفاوت در نوع نگاه و رویکرد آنها به موضوع امنیت شده است. به عنوان نمونه، در حالی که در نظریه سازه‌انگاری کم‌وبیش بازیگری دولت و واقعیات موجود در عرصه امنیتی مورد پذیرش قرار می‌گیرد، اما در پست‌مدرنیسم اصولاً باوری به هیچ‌گونه واقعیتی خارج از گفتمان‌های امنیتی وجود ندارد.

از طرف دیگر نویسنده برای بررسی درستی نظریات و انتقاداتش به نظریات انتقادی و رهایی‌بخش از موارد و استدلال‌های محدودی استفاده نموده است. تنها مورد مطالعاتی که به عنوان محک درستی یا نادرستی رویکردهای جدید مورد بررسی قرار گرفته است، بروز درگیری‌های داخلی در یوگسلاوی سابق

<sup>۱</sup>. Meta Theory

است. این در شرایطی است که اصولاً درستی یا نادرستی دیدگاه‌ها و نظریات مختلف را نمی‌توان با موارد محدود مورد ارزیابی قرار داد. بر این اساس حتی اگر نظریات جدید توانایی محدودی در تجزیه و تحلیل جنگ‌های داخلی یوگسلاوی داشته‌اند، این امر لزوماً به معنای ناتوانی آنها در سایر موارد نیست. به علاوه نویسنده عمدتاً در نقد دیدگاه‌ها و نظریات انتقادی و رهایی‌بخش از روش پوزیتیویستی و انتقادات نظریه‌پردازان کلاسیک (به استثنای بخشی که از دیدگاه رابرت کاکس استفاده نموده است) استفاده کرده است، که این موضوع از نظر روش نقد با مشکلاتی مواجه است. واقعیت آنست که نقد دیدگاه‌های سایرین بر اساس معیارهای متفاوت و برون‌گفتمانی کار چندان مشکلی نیست. این کاملاً طبیعی است که بر اساس معیارهای پوزیتیویستی بتوان به آسانی رویکردهای پست پوزیتیویستی را به نقد کشید؛ مشکل زمانی است که یک دیدگاه و رویکرد را بر اساس معیارهای خودش به نقد کشید. به عبارت دیگر، نقد واقعی زمانی است که یک نظریه و یا رویکرد را بر اساس شاخص و محورهای خودش مورد انتقاد قرار داد، در غیر این صورت نقد دیدگاه‌های دیگران بر اساس شاخص‌ها و محورهای برون‌گفتمانی چندان ارزش نخواهد داشت.

## منابع

- 1- Tara McCormack, **Critique, Security and Power** (New York: Routledge, 2010).
- ۲- بزرگی، وحید، **دیدگاه های جدید در روابط بین الملل** (تهران: نشرنی، ۱۳۷۷)، ص ۱۶۹.
- ۳- رابرت جکسون و گئورگ سورنسون، **درآمدی بر روابط بین الملل**، ترجمه: مهدی ذاکریان و دیگران (تهران: نشر میزان، ۱۳۸۳)، ص ۲۹۷-۲۹۸.
- ۴- دهقانی، سیدجلال، «روابط بین الملل از منظر نوگرایی»، **گفتمان**، شماره ۲، ص ۱۶۷-۱۷۰.
- ۵- برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به:
- Kenneth N. Waltz, **Theory of International Politics** (New York: Addison Wesley), 1979, and: Immanuel Wallerstein, the Inter-State Structure of the Modern World System in Andrew Linklater, **International Relations: Critical Concept in Political Science**, London and New York, Vol. I, PP. 1361-1377.
- ۶- برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به:
- Alexander Wendt, **Social Theory of International Politics** (Cambridge, Cambridge University Press, 1999).
- ۷- برای اطلاعات بیشتر در زمینه جایگاه مباحث امنیتی در مناظره های روابط بین الملل مراجعه شود به:
- Booth, K, "Security and Emancipation", **Review of International Studies**, (1991), Vol. 17.
- and: Booth, K, 'Emancipation', in K. Booth (Ed.), **Critical Security Studies and World Politics** (London: Lynne Reiner Publishers, 2005).
- ۸- رجوع شود به:
- Jennifer Mustapha, **An Analytical Survey of Critical Security Studies: Making the Case for a (Modified) Post-Structuralism Approach** (McMaster University, 2009), And:
- Krause, Keith, **Critical Theory and Security Studies: the Research Program of Critical**

**Security Studies**, (NY: Cooperation and Conflict, 1996).

۹- جکسون، پیشین.

10- Buzan, B, Ole, Waver and Wilde, J, **Security: a New Framework for Analysis**, (London: Lynne Rienner, Boulder, 1998) PP. 1-15.

۱۱- رجوع شود به:

Booth, K. "Security and Emancipation", **Review of International Studies**, 1991, Vol. 17.

۱۲- رجوع شود به:

قوام، عبدالعلی، **روابط بین الملل: نظریه‌ها و رویکردها** (تهران: سمت، ۱۳۸۴).

۱۳- برای بحث بیشتر رجوع شود به:

Krause, Keith, **Critical Theory and Security Studies: the Research Program of Critical Security Studies** (Cooperation and Conflict, 1996).

۱۴- برای اطلاعات بیشتر در این زمینه رجوع شود به:

Walt, "The Renaissance of Security Studies", **International Studies Quarterly**, 1991, Vol. 35, No. 2., And:

S. Browning Christopher, **The Future of Critical Security Studies: CSS, Ethics and Pathways for Future Research** (University of Warwick, 2010).

۱۵- رجوع شود به:

جان بیلیس و اسمیت، استیو اسمیت، **جهانی شدن سیاست: روابط بین الملل در عصر نوین، زمینه‌های تاریخی، نظریه‌ها، ساختارها و فرایندها**، ترجمه: ابوالقاسم راه چمنی و دیگران، جلد اول (تهران: انتشارات مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران، ۱۳۸۳).

۱۶- رجوع شود به:

کنت والتز، واقع‌گرایی ساختاری پس از جنگ سرد در: ریچارد لیتل و مایکل اسمیت، **دیدگاه‌هایی**

◇ نقد و بررسی کتاب

---

درباره سیاست جهان، مترجم: علیرضا طیب (تهران: انتشارات علمی و فرهنگی)، صص ۲۰۴-۱۶۵.

Archive of SID

◇ ۲۶۳

فصلنامه تخصصی علوم سیاسی / شماره پانزدهم / تابستان ۱۳۹۰